



## اعمال نیک نجات نمی دهد

اجازه دهید که سوالی از شما بپرسم. آیا ممکن است بتوان با یک روشی با خداوند رابطه دوستی برقرار کرد؟ آیا ممکن است انسان بتواند به تنهایی خودش را تغییر دهد و به خداوند نزدیک شود؟ بسیاری از انسانها در طول تاریخ برای رسیدن به آن هدف تلاش کرده اند. در **امثال ۱۶: ۲۵** چنین می خوانیم: **"راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه، موت می باشد."** راهی که در نظر ما راست است، این است که ما خودمان می توانیم راه رفتن به بهشت را بیابیم، راهی که مطمئناً خداوند از کارهای زشت ما چشم پوشی خواهد کرد. از ده نفر بپرسید و ببینید که چگونه به بهشت خواهند رفت؟ اکثریت آنها در پاسخ خواهند گفت، "با انجام کارهای نیک." این یک دروغ بزرگی است که شیطان در قلب همه جا داده است. انسان ها روش های گوناگونی را امتحان می کنند. بعضی ها سعی می کنند کارهای نیک انجام دهند، مانند رفتار خوب با دیگران و گفتار و آداب نیک. من بسیاری از انسانهای بزرگ را می شناسم که رابطه ای با خداوند ندارند، اما از بهترین همسایگانند. آنها انسانهای بسیار خوبی هستند ولی چیزی راجع به خداوند نمی دانند. آنها کارهای خوب بسیاری انجام می دهند اما رابطه ای با خداوند ندارند.

**کارهایی که مردم تلاش می کنند تا بوسیله آنها با خداوند ارتباط داشته باشند کدامند؟** بسیاری نماز می خوانند و روزه می گیرند و به مسجد خمس و زکات و صدقه می دهند. عده ای هستند که تعمید می گیرند و یا با خواندن کتاب مقدس می خواهند بهشت را بخرند. بعضی دیگر در کلیسا حضور پیدا می کنند و نیایش می کنند. بعضی از آنها به کلیسا پول می دهند تا راه به بهشت رفتن را برای خود بخرند. این عده گمان می کنند که اگر تمام این کارها و اعمال خوب را انجام دهند خداوند از کارهای زشت آنها چشم پوشی خواهد کرد.

بیایید اینگونه به مسئله نگاه کنیم. بطور مثال شما در دادگاه به جرم قتل محکوم شده اید و قاضی به شما می گوید، "تا قبل از اینکه حکم شما خوانده شود آخرین دفاع خود را بگویید." و شما با احترام به قاضی می گویید، "به من فرصت دهید تا توضیح دهم. من می دانم که این جرم را مرتکب شده ام و می دانم که کار اشتباهی کرده ام اما این مربوط به پنج سال پیش است و پنج سال طول کشید تا مرا دستگیر کنند. در طول این پنج سال من شهروند خوبی بودم. شخص دیگری را نکشته ام. همسایه من با من مشکلی نداشت، و حتی به او کمک هم کردم. خانواده ای که خانه ایشان دچار آتش سوزی شده بود، کمکشان کردم. در بیمارستان پیش قدم بودم. پنج سال پیش شروع کردم به خواندن نماز و روزه گرفتن و پول خود را احتکار نکردم. شخص خوبی هستم و با مردم به خوبی رفتار می کنم و قول می دهم که اگر مرا آزاد کنید، هرگز مرتکب جرم نشوم."

چه فکری می کنید اگر قاضی به وی بگوید، "من باید تو را آزاد کنم که بروی. چون تو کارهای خوب بسیاری انجام داده ای و فکر می کنم که توانسته ای با کار خوب جزای جرم را بدهی." هیچ قاضی شما را به خاطر اعمال خوبی که انجام داده اید و سعی کرده اید مسیر زندگی خود را بازسازی کنید، نمی بخشد. در حقیقت شما باید جزای جرم خود را بپردازید.

یا اگر شما از قاضی تقاضا کنید و به ایشان بگویید: "من چیزهای خوب زیادی راجع به شما شنیده ام، شما مرد بسیار خوبی هستید و خیلی بخشنده. بنابراین مطمئن هستم که مرا خواهی بخشید." این قاضی چگونه می تواند عدالت را رعایت کند اگر شما را ببخشد و بگوید برو، تو آزادی. بعد از آن مطمئناً نمی تواند دیگر قاضی عادل باشد. در دادگاه قضایی چنین چیزی امکان ندارد. و این روش برای خداوند هم کاربرد ندارد. خداوند، **خدای عدالت** است. او فقط خدای بخشش نیست، او همچنین خدای عدالت نیز است.

وقتی من و شما به این دنیا می آییم، در برابر خداوند مجرم هستیم. ما محکوم هستیم و به خاطر گناهانمان در سراسیمی جهنم قرار داریم. ولی بعضی گمان می کنند با بازسازی راه زندگی شان و انجام اعمال نیکو، خداوند آنها را به بهشت می فرستد. ولی این چیزی نیست که کتاب مقدس می آموزد. به یاد داشته باشید که ما به مسائل به روش خداوند می نگریم.





**خداوند درباره اعمال خوب چه می فرماید؟** آیا ممکن است با انجام کارهای نیکو به بهشت برویم؟ خیر. زیرا خداوند در کلام خود می فرماید:

۱- "از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است."

رومیان ۳: ۲۰

فرض کنید که کسی که مرتکب قتل شده است، در برابر قاضی می گوید: "قاضی محترم شما نمی دانید از پنج سال پیش که مرتکب این جنایت شده ام، تمامی قوانین را اطاعت کرده ام، مالیات خود را پرداخته ام و هرگز خشونت نکرده ام، با بی توجهی از وسط خیابان راه نرفته ام و از خط عابر پیاده عبور کرده ام، حتی چراغ زرد را هم عبور نکرده ام. بسیار راننده با دقتی بوده ام. اگر سرعت مجاز ۶۰ کیلومتر در ساعت بود من با سرعت ۵۹ رانندگی کرده ام. قاضی محترم شما باید درک کنید که من قانون را اطاعت کرده ام." اما آیا تمامی این کارها اهمیتی دارد وقتی او مرتکب قتل شده باشد؟ خیر، او همچنان مجرم است.

ما سعی می کنیم با انجام کارهای خوب، خدا را تحت تأثیر قرار دهیم. انجام کارهای نیک به این معنی نیست که گناهانمان از بین می رود. انجام کارهای نیک انسان را نجات نمی دهد. احکام و شریعت خداوند داده نشده است تا بتوانیم آن را نگه داریم و راه خود به سوی بهشت را بیابیم. شریعت خداوند داده نشده است تا بتوانیم آن را حفظ کنیم و مورد قبول خداوند باشیم.

**کتاب مقدس می گوید که هدف این احکام و شریعت نشان دادن گناهکار بودن ما است تا اینکه ما به گناهکار بودن خود پی ببریم.** خداوند به ما شریعت را عطا کرد تا دانش گناه را به ما بیاموزد. خداوند این قوانین را داده است تا ما بدانیم از ما چه انتظاری دارد و قوانین و احکام او مقدس است. اگر ما یک مورد احکام را بشکنیم، مجرم به نقض همه آن هستیم. یعقوب ۲: ۱۰

برای انسان غیرممکن است که با رعایت و حفظ قوانین و شریعت به بهشت برود. خداوند به ما قانون را داده است تا ما بفهمیم که از قوانین خدا تخطی کرده ایم. شریعت نمی تواند شما را نجات دهد. شریعت داده شده تا شما را محکوم کند. در قوانین و شریعت برای من و شما هیچ امیدی وجود ندارد.

۲. "زیرا که جمیع ما مثل شخص نجس شده ایم و همه اعمال عادلانه ما مانند لثه ملوث می باشد. و همگی ما مثل برگ، پژمرده شده، گناهان ما مثل باد، ما را می ریزد." (اشعیا ۶۴: ۶). خداوند اعمال ما را چگونه شرح می دهد؟ می گوید اعمال خوب ما مثل دستمال کثیف می ماند. ما معمولاً اعمال خوب خود را به رخ دیگران می کشیم اما خداوند می گوید که از نظر او اعمال ما مثل لثه ملوث (پارچه کثیف) است.

اکنون به یاد داشته باشید که ما به همه چیز همانطور که خداوند به آنها می نگرد، نگاه می کنیم. خداوند چگونه به من می نگرد؟ من می گویم: "انسان خوبی هستم، تعمید گرفتم، به کلیسا می روم و ده یکها و هدایا به کلیسا می دهم، کارهای نیک انجام می دهم، و یا مسلمان خوبی هستم و بهترین و نمونه ترین شخص هستم. همیشه دعا می کنم، کتاب مقدس را می خوانم. به خداوند اعتقاد دارم و غیره. مطمئناً این همه اعمال خوب من کافی است." اما خداوند می گوید کارهای خوب مثل دستمال کثیف است.

اجازه بدهید به طور خلاصه بگویم **دستمال کثیف** یعنی چه، تا بهتر منظور خداوند را درک کنید. دستمال کثیف در زمان کتاب مقدس پارچه کثیفی بود که در خارج از شهر آویزان می شد. جزایمی ها اجازه نداشتند وارد شهر بشوند چون ممکن بود به خاطر زخم و عوفتنی که داشتند، بقیه نیز به آن مرض ناعلاج مبتلا شوند. معمولاً در بیرون شهر پارچه ای آویزان بود که به آن پارچه کثیف و چرکین می گفتند. یک جزایمی می توانست زخم خود را با آن پارچه تمیز کند و دوباره آن را آویزان کند تا باد آن را خشک کند و باران کمی آن را بشوید. و دوباره جزایمی دیگری از آن پارچه استفاده می کرد. پارچه کثیف، پارچه ای بود که جزایمی ها از آن استفاده عمومی می کردند.

خداوند می گوید اعمال خوب شما، تمام کارهای خوبی که انجام می دهید مثل نماز خواندن روزه گرفتن و یا کلیسا رفتن و شرکت در کلاس ها و پول دادن، معلم کلاس های یکشنبه بودن از نظر او مثل **پارچه کثیف** می ماند. می توانید تصور کنید خانمی آن پارچه را بردارد و ظروف خود را با آن بشوید؟ شما حتی فکر انجام این کار را هم نمی کنید. اما این دقیقاً همانطوری است که شما فکر می کنید از طریق آن می توانید به بهشت بروید، با تکه پارچه ای کثیف و مندرس.





۳. تیطس ۳: ۵ "نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد، به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است!" این مهم نیست که چقدر کارهای خوب انجام می دهیم. اگر با خداوند ارتباطی نداشته باشیم، نمی توانیم در ردیف کسانی باشیم که نجات یافته اند و راهی بهشت هستند. کارها و اعمال خوب ما نمی تواند و نخواهد توانست ما را راهی بهشت مقدس کند. ما فقط محض رحمت خدا توسط کار عیسی مسیح و با قدرت روح القدس که در ما کار می کند می توانیم از گناهان پاک شویم و تولد دوباره یابیم.

۴. افسسیان ۲: ۸-۹ "زیرا که محض فیض نجات یافته اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال، تا هیچ کس فخر نکند." اکنون بشنوید آنچه را که خداوند می گوید. ما سعی می کنیم که خداوند را با اعمال خوبمان تحت تأثیر قرار دهیم، اما خداوند می فرماید: "شما بوسیله خودتان یا به جهت اعمال خوبتان نجات نمی یابید، اگر چنین می گوئید، خودستایی می کنید." اگر یکی از احکام و شریعت خداوند را بشکنید، تمام کارهای نیک دنیا نمی تواند شما را نجات دهد. اگر شما یک قانون را نقض کنید، در مورد همه آن مجرمید. مهم نیست که چقدر کارهای نیک در طول زندگیتان انجام دهید، کارهای نیک هرگز شما را در کنار خداوند قرار نخواهد داد. اگر اعمال خوبتان می توانست شما را راهی بهشت کند، شما با فخر قدم برمی داشتید و در گذشته خود ثابت می ماندید. خداوند می گوید که کارهای خوب من و شما نمی تواند ما را به بهشت ببرد.

**خاتمه:** من نمی خواهم شما را ناامید کنم. روشن است که انسانها به دو گروه تقسیم می شوند: کسانی که ارتباط خوبی با خداوند ندارند و کسانی که ارتباط خوبی با خداوند دارند. خداوند راهی دارد تا من و شما را به مسیری هدایت کند تا در زمره گروهی قرار بگیرم که با او باشیم و راهی بهشت شویم. خداوند آنها را عیسی مسیح میسر ساخته است. اما همه با او در ارتباط نیستند. تنها گروه خاصی هستند که در ارتباط درستی با خداوند هستند، زیرا آنها همان راهی را می روند که خداوند به آنها نشان داده است. خود را فریب ندهید، و فکر نکنید که با اعمال و رفتار نیک و انسانیت خداوند شما را به بهشت می برد. به درس بعدی توجه کنید تا ببینید که خداوند چگونه شما را از بدون ارتباط بودن با وی به ارتباط درست با خودش هدایت می کند.

